

دیگر رسانه‌ها

رضاخسروی

بررسی ۷۰ سال حضور متمول‌ها در فوتبال

از «زندان» تا «ادعام»!

چند سال بعد از اینکه تیم ملی فوتبال ایران نخستین بازی رسمی‌اش را انجام داد و هیجان این رشته را بین مردم آورد (۱۳۲۰ برابر افغانستان) سرکله اولین فرد متمول در فوتبال پیدا شد تا بازیکنان را هوایی کند و بی‌پارداخت پول‌های کلان و هدیه‌های پر زرق و برق خودی نشان دهد.

این اتفاق در دهه ۳۰ رخ داد و طی آن فردی به نام «میرزا معتمد» تیم فوتبال شمعاع را تشکیل داد و با جذب بازیکنان مطرح آن دوره تلاش کرد نامی برای خود دست و پا کند. او برای اینکه بتواند بازیکنان سرشناس و مهم آن روزگار را به خدمت بگیرد، هدایایی مثل موتور یا توپمیل به آنها می‌داد.

با این حال عصر این تیم خیلی زباده نبود و با ظهور تیم‌هایی مثل دارایی، پرسپولیس و … میرزا معتمد از تیمداری منصرف شد و شمعاع به اولین تیمی تبدیل شد که با رها شدن توسط مالکش از بین رفت و او اواخر دهه ۴۰ به طور کامل منحل شد و دیگر اثری از آن در فوتبال ایران باقی نماند.

چند سال بعد و در حالی که دهه ۵۰ از نیمه عبور کرده بود، عطالله مهاجرانی به همراه برادرش تیم ابومسلم را در خراسان تشکیل دادند و آنها هم سعی کردند با جذب بهترین بازیکنان استان و حتی کشور، این تیم را به عنوان قهرمانی برسانند و خودشان هم به شهرت و مقبولیت اجتماعی برسند.

البته تفاوت مهاجرانی با میرزا معتمد این بود که با وجود کناره‌گیری خودشان از حمایت از ابومسلم، تیم را منحل نکردند و آن را به تربیت بدنی خراسان و بعد ها هیأت فوتبال واکذار کردند اما در نهایت ابومسلم هم چاره‌ای جز نابودی نداشت و در دهه ۸۰ به طور کامل منحل شد و اثری از آن باقی نماند.

شرایط فوتبال ایران بعد از انقلاب متفاوت شد و افراد بیشتری برای خودنمایی و رسیدن به شهرت به عرصه تیمداری قدم گذاشتند اما آنها هم همان راهی را رفتند که پیشینیان رفت بپوند.

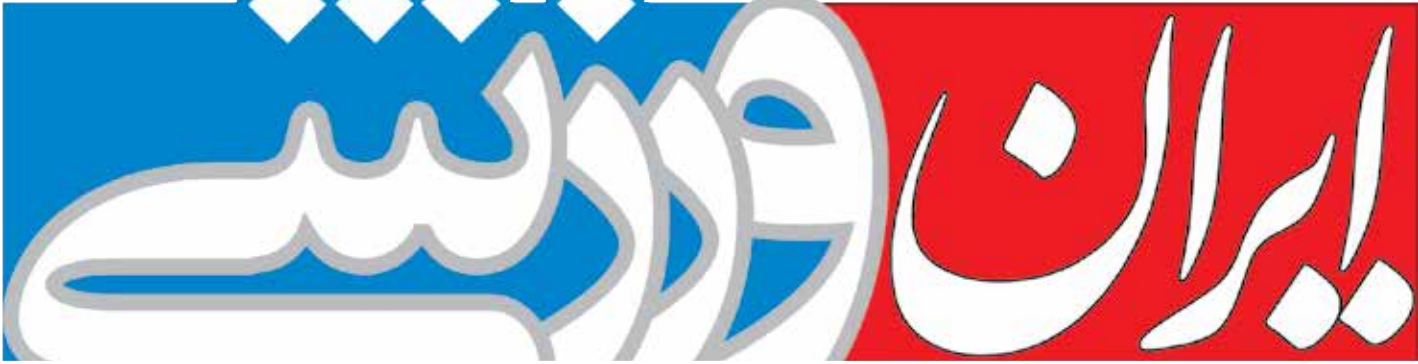
دهه ۶۰ که فوتبال ایران بیشتر در «باشگاه‌های تهران» خلاصه شده بود و همه جذابیتش هم برای رقابت تیم‌های استقلال و پرسپولیس و افزودن تعداد قهرمانی‌های این دو تیم بود، ورود یک تیم جدید شرایط را متفاوت کرد اما نتوانست از اقتدار سرخابی‌ها بکاهد.

تیم پورا که متعلق به مالک شرکت پوست و رو ده بود یا خرید چند بازیکن مطرح آن دوره وارد فوتبال باشگاهی تهران شد و چند سالی در این رده حضور داشت اما خیلی زود منحل شد. حاج محمد صوفیانی با خریدن امتیاز زود منحل و جذب بازیکنانی مثل فتونی‌اده، قلیچ، رحیم یوسفی، محمدرضا شکورزاده و … کام در رقابت‌های باشگاه‌های تهران گذاشت اما نتب نتد او هم زود فروکش کرد.

چند سال بعد برادران مداح وارد فوتبال شدند و تیمی با نام بهمن را وارد عرصه فوتبال باشگاهی کردند که البته این تیم هم به سرنوشته قلی‌ها گرفتار شد.

بهمن در سال ۱۳۷۲ حیات خود را با خرید امتیاز باشگاه بانک سپه در فوتبال ایران آغاز کرد و پس از دو سال نبره به سمت منحل شد تا با عنوان بهمن گرج در لیگ آزادگان حضور یابد. آنها در این مدت نتوانستند به یک قهرمانی و دو نایب قهرمانی جام حذفی و دو نایب قهرمانی لیگ آزادگان دست پیدا کنند.

مالک بهمن هم برای اسم و رسم دار شدن در فوتبال و البته تبلیغ برند اتومبیلی که در اختیار برخی



روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز:خبرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول:علی عالی ● تلفن:۰۲۱۱۳۰۸۸۵۰ ● فکس:۰۲۱۱۱۷۳۸۲۴۱ ● سازمان آگهی‌ها:۱۸۷۷۰-۰۱۳۰۰-۸۸۵۰۳۰۸۸۷۶۵۸۳ ● انتشارات:۵۲۵۰۸۸۵۴۸۸۹۲ ● امور مشترکین:۰۰۸۸۷۴۸۸۰۰۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی:تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ● چاپ:ایرانیان

@iranvarzeshi

سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ - شماره ۶۸۴۶

www.INN.ir

info@inn.ir

عکس روز

مهاریان سومر



انیتلیا در ادامه روند نه چندان خویشت بعد از قهرمانی بسور و ۲۰۲۰، در دومین بازی پیاپی اش در رقابت های انتخابی جام جهانی هم مساوی کرد. این بار مقابل تیم قدرتمند سوئیس. البته آلتزوری یک شانس خوب برای گلزنی داشت و آن هم پناالتی ای بود که جورجینیو مأمور زدش نبود و اینگونه آن را به جایی فرستاد که بیان سومر انتظارش را می کشید.

در چنین روزی

۱۶ شهریور ۱۳۸۰

برتری الهام بخش تیم ملی فوتبال ایران مقابل عراق

۲۰ سال پیش دقیقاً در چنین شبی ایران باید در چارچوب مسابقات انتخابی جام جهانی به مصاف عراق می رفت و حالا دقیقاً بعد از دو دهه این اتفاق تکرار خواهد شد. گزارش ایرنا از ۲۰ سال پیش را بخوانید که با پیروزی روحیه بخش تیم تحت رهبری بلازویچ کروات همراه شد.

یدار تیم های ملی فوتبال ایران و عراق در چارچوب رقابت های مقدماتی جام جهانی در گروه یک منطقه آسیا با نتیجه ۲ بریک به سود کشورمان خاتمه یافت.

این دیدار به فضاوت فلیپه راموس ریزو از مکزیک و با حضور ۵۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه الشعب شهر بغداد برگزار شد.

تیم کشورمان در این دیدار از ابتدا افسین پیروانی و مجاهد خضیراوی را به میدان فرستاد که با فراخوانی این دو بازیکن، تغییراتی در سیستم بازی داده شد. به این شکل که خضیراوی به عنوان پستون راست به بازی گرفته شد و مهدوی کیا به خط میانی آمد و پیروانی نیز در پست هافبک دفاعی بکار گمارده شد.

تیم ایران در دقیقه ۱۸ می توانست به گل برسد اما به دنبال ساتنسر مهدوی کیا از ضربه ایستگاهی و ضربه سر محکم رحمان رضایی، توپ به تیرافقی دروازه عراق چسبید.

سه دقیقه پس از این حادثه، یک اشتباه محرز از سوی میرزاپور سبب شد تا تیم عراق توسط عماد رضا به گل برسد.

تیم ایران پس از دریافت این گل، بر تلاش نشان داد تا اینکه در دقیقه ۳۰ به گل تساوی رسید. پاس پیروانی و قرار نیکبخت واحدی از جناح چپ و پاس طلایی این بازیکن به علی کریمی رسید تا وی دروازه عراق را فتح کند و بازی را به تساوی بکشاند.

در دقیقه ۳۲ تیم عراق توسط هشام فیاض دروازه ایران را تهدید کرد که میرزاپور این ضربه را خنثی نمود تا بازی در وقت نخست با نتیجه مساوی یک بریک خاتمه یابد.

در نیمه دوم تیم ایران بهتر و روانتر از عراق عمل کرد که حاصل بازی یکدست ملی پوشان کشورمان، گل پیروزی بخش بود که در فایق پایانی به دست.

در دقیقه ۸۲ علی دایی کاپیتان تیم ایران توپ را از مدافع عراق ربود و با ضربه ای کات دار، تور دروازه حریف را فرو ریخت تا تیم ملی کشورمان در بغداد به سه امتیاز الهام بخش دست یابد.

تیم ایران با این برد شیرین صاحب ۷ امتیاز شد تا در صدر گروه یک قرار گیرد.

اسامی بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران: ابراهیم میرزاپور، افسین پیروانی، مهدی هاشمی نسب، یحیی گل محمدی، مهرداد میناوند، علیرضا نیک بخت واحدی، رحمان رضایی، مهدی مهدوی کیا (یزمان جشدید) از دقیقه ۸۷)، مجاهد خضراوی، علی کریمی، علی دایی (کاپیتان) .



میبعدنیک

فروپاشی رؤیای بزرگ

خانه‌ای روی آب

فوتبال همیشه بخش جدایی‌ناپذیری از توحه مردم عامه و پیدایش شهرت بوده و این گردآب زیرک، مدیران البته باشگاه‌های بزرگ بسیاری را در خود بلعیده. شاید اگر از هواداران تیم فوتبال تراکتور در روزهای ابتدایی مالکیت محمدرضا نژوزی مطلق درباره آینده این باشگاه سرخ‌پوش سوال می‌شد، تمام پرسوهرهای تیریزی متفق القول به موفقیت سرخ‌ها و تبدیل شدن به قطب مهم فوتبال ایران با تشکیل یک مجموعه کهنکشان۱ اذعان می‌داشتند اما محاصل دوران زمامداری بیشتر از ۳ ساله مدیر تیریزی، تبدیل شدن تراکتور مردمی به استیل آدین ۲ بود.

محمدرضا نژوزی مطلق اما اتفاقاتی را در پی‌گیره فوتبال ایران رقم زد که بی‌درید نامش را منکف از سایر ناگامان جلوه خواهد داد؛ تغییر ساعتی مسئولان اجرایی، حقوقی، اداری و مالی باشگاه به تصمیم شخصی و سدرم تغییر بی‌قرار سرمربی از هفته‌ای به هفته‌ای دیگر، قطعاً نام او را در زمره عجیب‌ترین مدیران تاریخ فوتبال ایران قرار خواهد داد؛ مدبری که با همین رویه خود را در قامت ریاست فدراسیون فوتبال نیز می‌دید!

از رفتارهای ضدتقاضی و دوگانه مالک متمول و البته پیشین باشگاه برهوادار تیریزی می‌توان سیاه‌های به طول ورزشگاه یادگار تیریز ترتیب داد. فردی که علاوه بر نگرش فردگرایانه محض و نوتالیته‌مآبانه، به محض تانکسی بر طبق نفرقه بین باشگاه‌های تهرانی و شهرستانی می‌گوید و البته بارها و بارها هم در ارائه رقم ارزی با رایی بازیکنان پروژه‌های کهنکشان۱ اش نسبت به فدراسیون فوتبال، اهتمام به دروغ نویسی داشت.

محمدرضا نژوزی مطلق به‌عنوان یک مدیر اقتصادی و صاحب ابرهولدننگ‌های تجاری، بی‌گدار به آب خروشان فوتبال ایران زد و از این امر غافل بود که چنین طغیانی هر آن می‌تواند او را در خود به کام مرگ بکشانند؛ موضوعی که تنها برای نژوزی مطلق رخ نداد و متأسفانه حتی از برهوادارترین تیم‌های غیرتهرانی و فوتبال حرفه‌ای ایران نیز به متجارب نابودی و عدم پرتاب شد.

باتمام این اوصاف اما محمدرضا نژوزی مطلق پس از هزینه‌تراشی‌های بی‌آورد و شکست‌های بی‌دریی در پروژه‌های بلندپروازانه، بالاخره به تنگ آمد تا باشگاه تراکتور را پس از ۳ سال و ۳ ماه و مانند دیگر باشگاه تیریزی یعنی ماشین سازی، به دشمن اصلی خود یعنی باشگاه استان آذربایجان شرقی واگذار کند که خود مهرتاییدی بر پایان حیات مدبریتی- ورزشی این مالک برجاشیه در فوتبال ایران خواهد بود.

بدین ترتیب یکی از نزدیک‌ترین پروژه‌ها به خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال با شکستی تحقیرآمیز در تیریز مواجه شد تا نشان دهد که بمدیران هزینه‌بدون درآمد مشخص از منابع حق بخش تلویزیونی و تبلیغات محیطی و البته با دخالت تحریم‌هایی که مانع از درآمدزایی بین‌المللی شد، خصوصی‌سازی در ایران چیزی شبیه به یک ریاست.



سامان موحدی‌راد

شهرت به قیمت ورشکستگی

یک حکایت تکراری

درست و روشن اقتصادی، وارد بازی شهرت شوند. نگاهی به خریدهای گران تراکتور که برخی از آنها اصلاً برای این باشگاه بازی نکردند، نمونه‌ای از این وضعیت است. رفتن نژوزی قطعاً تراکتور را با چالش‌هایی مواجه می‌کند اما شاید حواس‌ها را هم از این تیم دور کند. شاید آنها یاد بگیرند بایدوجه کمتر تیمی کم رسودا ولی مؤثر تر بسازند.



حکایت حضور محمدرضا

نژوزی در فوتبال ایران

یک مدل تکراری است.

او چندمین مولتی

میلیاردی است که سر از

فوتبال ایران در آورده و

در نهایت هم پولش منجر

به اتفاق بزرگی در باشگاه

نشده و حالا دلسرد، بدون

دستیابی به هدفی که

تعریف کرده بود و خرج و

مخارج سنگین از فوتبال

کناره گیری می کند



امیرفروز

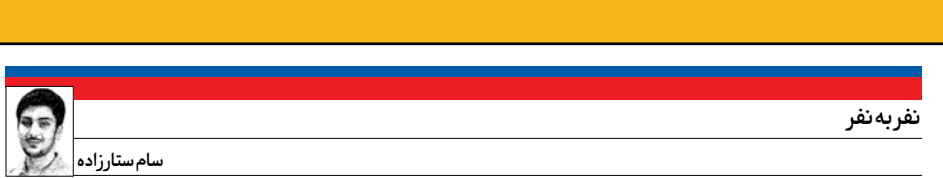
اقتصاد ورشکسته در مستطیل سبز

دالتون‌ها در فوتبال

اعلام شده با هیچ کدام از تورم‌ها و توروی‌های اقتصادی که کارشناسان تشریح می‌کنند، سازگاری ندارد. به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی یا این سبک و سیاق بیشتر شبیه یک نمایش روی پرده است که مقصود غایی آن گرد و خاک کردن و جورا به سمت عدم شفافیت و کل آلود کردن آب و صید ماهی قزل‌آلای درشت در این آشفته بازار است. در فوتبال روز دنیا نمونه‌های بسیاری وجود دارند که به سرمایه‌گذاری در بخش فوتبال وارد می‌شوند و به دنبال این هستند که سرمایه خود را از این بنگاه اقتصادی بداخل و خرج کردن و افزایش دهند. در هر فعالیت تجاری در هر زمینه‌ای، باید حساب توبره از آخور مشخص شود و الا پلاپی که این چند ساله بر سر فوتبال ما آمده، همچنان تداوم می‌یابد. بدین معنی که با آمدن و رفتن این و آن و مدیریت به شکل سلیقه‌ای، امور بر ممان پاشته می‌چرخد. مصداق ای می‌خواهید؟ همین تراکتور ورشکسته که سرنوشته در پلاتلیفی است.

اگر چند وقت دیگر خبر بازداشت مالک باشگاه تراکتور به گوش‌تان رسید، تعجب نکنید! با حضور او جمع فوتبالی‌ها در زندان تکمیل می‌شود و پد هم نیست برای فراغت خیال آقایان و توسعه و ترویج ورزش بین زندانیان هر سال مسابقات فوتبالی هم برگزار شود تا عایجتجانیان به اصطلاح پیرزنس من، با هم به رقابت بپردازند! قبل از او هم نفرات مشابهی به اسم مثلاً خصوصی سازی وارد حوزه تیمداری در فوتبال ایران شدند و با هزینه‌های هنگفت و بریز و وبیاش‌های کلان از پول‌های بادآورده‌ای که یک شبه به دست آوردند، به دنبال مقاصد خود چه استفاده‌ها و سوء، استفاده‌ها از این فرصت‌ها کردند که شرح آن درمثنوی‌های آیندگان خواهد آمد. فقط خدا می‌داند که در پس پرده چه می‌گذشت و در آخر، همه هزینه‌ها از جیب ملت فاکتور شد و در انتها ملت می‌ماند و قضاوت تاریخ و دیوار بلند حاشا.

خصوصی سازی را هکاری دارد که اعداد وارقام



سام ستارزاده

تراژدی شکست باشگاهداری خصوصی در ایران

یک بازنده بزرگ

بدهی چند صد میلیارد تومانی، کوچ دسته جمعی ستارگان و جشن شادی هواداران بر شور تیریزی از جدایی مالک پر حاشیه؛ سه سال قبل، قرار نبود سرنوشته بر طرفدارترین باشگاه فوتبال شمال شرق کشور با چنین عیارات تلخی عین شود. سبرده شدن تراکتور از نهادهای نظامی به محمدرضا نژوزی می‌توانست یک نقطه عطف باشد؛ نه تنها برای خود تراکتور، بلکه برای باشگاه‌داری خصوصی کشور.

استیل آدین، داماش، سیاه‌جامگان، راه‌آهن و سپیدرود، تیم‌هایی بودند که بیش از تراکتور قدرت نازل باشگاه‌داری خصوصی را در فوتبال ایران بازتاب می‌دادند. راه‌آهن باشگاه‌ها نیز عمدتاً پایه ورشکستگی و بازداشت مالکین و بیابه تغییرات و ابهامات متعدد در مالکیت تیم ختم می‌شد. در این میان، گسترش فوولد به تحت مالکیت نژوزی و در کمال فروتنی از لیگ آزادگان به لیگ برتر رسیده بود و جای پیش را در بالاترین سطح فوتبال ایران سفت کرده بود، تک ستاره پرفروغ آسمان سیاه باشگاه‌داری خصوصی کشورمان بود.

مالک جنجالی تیریزی حاضر شد گسترش فوولدارا

قربانی کند تا صاحب تراکتور شود و با وعده‌های بزرگی

همچون ساخت ورزشگاه خصوصی و مراکز خرید،

هتل‌ها و اماکن ورزشی اختصاصی و کلاس جهانی،

تراکتور دوست‌داشتنی دره گرگ‌ها را روی ریل مسیر

باشگاه‌داری حرفه‌ای حرکت دهد. خرید سه کاپیتان